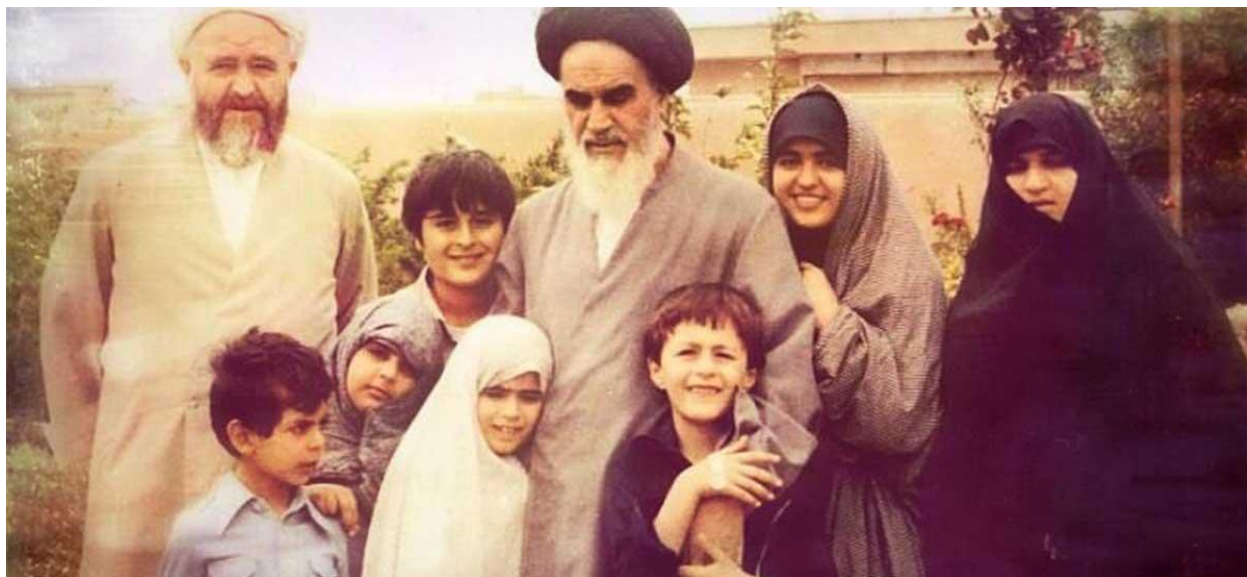


سیره نبوی در مورد خانواده



محمد تقی صرفی پور



ازدواج

پیامبر اسلام در 25 سالگی از دواج کردند و ازدواج را سنت و روش خود می دانستند و کسانی را که عمدا و بدون علت خاصی، ازدواج نمی کردند جزو امت خود نمی دانستند^۱

و پیامبر اسلام فرمود:

مَا بُنِيَ فِي الْأِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَأَعَزَّ مِنَ التَّرْوِيجِ؛

هیچ بنایی در اسلام در نزد خداوند عز و جل همانند ازدواج محبوب و عزیز نیست.

«رسول خدا(ص): کسیکه ازدواج کرده و خواب است در نزد خدا از مجردیکه روزه بوده و شبها به عبادت مشغول است، برتر است.»^۳

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله : بدترین مردان شما، عزبانند (مجردان) !^۴

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دورکعت نماز ازدواج کرده برتر است از هفتاد رکعت نماز فرد مجرد !^۵

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسیکه ازدواج کرده و خواب است در نزد خدا از مجردیکه روزه بوده و شبها به عبادت مشغول است، برتر است .^۶

3. مستدرک الوسائل، ابواب مقدمات نکاح، باب 1، حدیث 15.

«إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ دِينَهُ وَامَانَتَهُ يَخْطُبُ (إِلَيْكُمْ) فَزَوِّجُوهُ، إِنْ لَا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ»^۷

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر خواستگار مومن و امین بود به او دختر بدهید و اگر ندهید باعث بوجود آمدن فتنه و فساد بزرگ در زمین می شود

«پیامبر(ص): کسیکه دخترش را به بی دین شوهر بدهد، روزی هزار بار لعنت بر او نازل می شود.»

«إِيَّاكُمْ وَخَضِرَاءَ الدِّمَنِ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَمَا خَضِرَاءُ الدِّمَنِ؟ قَالَ: الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنَبَتِ السُّوءِ»^۸

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از گلهای لجنزار دوری کنید! سوال شد گلهای لجنزار کیا هستند؟ فرمود زن زیبا در خانواده فاسد.

«إِنَّ مِنْ يُمْنِ الْمَرْأَةِ تَيْسِيرَ خِطْبَتِهَا وَتَيْسِيرَ صِدَاقِهَا وَ...»^۹

رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره ازدواج آسان می فرماید:

میمنت [و خجستگی] زن این است که راحت خواستگاری شود و کابینش (مهریه اش) سبک باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله : زنیکه قبل از عروسی، مهرش را ببخشد، خداوند برای هر دیناری، ثواب آزاد کردن یک بنده را به او می دهد^{۱۰}

بحار الانوار، ج 100، ص 372، ح 3^۷.

اصول کافی، ج 5، ص 332، ح 4^۸

کنز العمال، ح 44721^۹

«أَيُّمَا شَابٌ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثَتِهِ سِنَّهُ عَجَّ شَيْطَانُهُ: يَا وَيْلَهُ! عَصِمَ مِنِّي دِينَهُ»^{۱۱}

رسول خدا ص: وقتی جوانی در اول جوانیش ازدواج کند، شیطان فریاد می زند: وای بر من. دینش را از من حفظ کرد.

«مَنْ بَلَغَ وَلَدُهُ النِّكَاحَ وَعِنْدَهُ مَا يَنْكِحُهُ، فَلَمْ يَنْكِحْهُ ثُمَّ أَخَذَتْ حَدَّثًا فَلَا تُؤْتِي عَلَيْهِ»^{۱۲}

هر که فرزندش به سن ازدواج برسد و پدر می توانند برای او همسر بگیرند ولی این کار را نکنند و فرزند گناه کند گناه به گردن پدر است.

فرمود: هر کس زنی را به جهت ثروتش ازدواج کند خداوند او را به همان واگذار می نماید، و هر که با زنی به جهت زیبایی و جمالش ازدواج کند خوشی نخواهد دید، و کسی که با زنی به جهت دین و ایمانش تزویج نماید خداوند خواسته های او را قاعمین می گرداند.^{۱۳}

«زَوِّجُوا أَيَّامَاكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ يُحْسِنُ لَهُمْ فِي أَخْلَاقِهِمْ وَيُوسِّعُ لَهُمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَيَزِيدُهُمْ فِي مُرُواتِهِمْ»^{۱۴}

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بیان فواید ازدواج می فرماید:

جوانهای خود را همسر بدهید که باعث می شوند خداوند اخلاق آنها را خوب کند و روزی آنها را توسعه دهد و جوانمردی آنها را زیاد نماید.

¹⁰ بحار الانوار، ج 103

کنز العمال، ح 4441¹¹

کنز العمال، ج 16، ص 442، ح 45337¹²

¹³ - تهذیب الاحکام: ج 7، ص 399، ح 5.

کنز العمال، ج 16، ص 279، ح 44460¹⁴.

هر که ازدواج کند نیمی از ایمان را بدست آورده و باید دنبال نیم دوم باشد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَخْرَزَ شَطْرَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي شَطْرِ الثَّانِي^{۱۵}

ترجمه: کسی که ازدواج می کند، نیمی از دینش را حفظ کرده است. پس برای احراز نیم دیگر باید تقوای الهی را پیشه کند

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نسل خود را زیاد کنید که من به آن افتخار می کنم ، و یا فرمودند زنی بگیرید که بچه دار می شود و مانند آن ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فرزند بخواهید، و از آن روگردان نباشید، همانا فرزند روشنی چشم و (همچون) گل (صفای) دل است ، و پرهیزید از ناتوانی و نازائی^{۱۶}

از پیامبر خدا (ص) روایت است که فرمود: «با غریبه ازدواج کنید تا فرزند ضعیف نیاورید». (النهاية، ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۰۶- المَجَازَاتُ النَّبَوِيَّةُ، شریف رضی، ص ۹۲).

((نهی النبی (ص) عن و طى الحبالی حتى يضعن))

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آمیزش با زن باردار تا وقتی که زایمان کند.^{۱۷}
و در روایت دیگری پیامبر اکرم به علی علیه السلام فرمود: اگر همسر تو باردار است با وی آمیزش ممکن مگر اینکه با وضو باشی .^{۱۸}

میزان الحکمة، ج ۲، ص ۱۱۷۹^{۱۵}

بجار. ^{۱۶}

بجار ج ۱۰۰ ص ۲۸۹^{۱۷}

وسائل ج ۱۴ ص ۱۸۸^{۱۸}

«رسول خدا(ص): هرگاه زن و شوهر مسلمانی قصد آمیزش داشتند، مانند الاغ کاملاً برهنه نشوند! که اگر کاملاً برهنه شدند، ملائکه الهی از بین آند و می روند.»^{۱۹}

رسول خدا صلی الله علیه و آله : جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است.^{۲۰}

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: زنی که خود را خوشبو کند و از منزل خود خارج شود، به چنین زنی لعنت می شود - از رحمت خدا دور می گردد - تا هر زمان که به منزلش بازگردد^{۲۱}

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: هر مردی که همسرش با زینت و خودآرایی از منزلش خارج می شود دیوث است و هر کس چنین مردی را دیوث بنامد گناه نکرده است و اگر مردی راضی باشد که زنش با زینت و خوشبو از منزلش خارج شود با هر گامی که آن زن برمی دارد خانه ای در آتش - جهنم - برای آن مرد ساخته می شود^{۲۲}

فرماید: خداوند نماز سه گروه را نمی پذیرد؛ یکی از آنها دیوث است، و آن مردی است که شاهد ناپاکی و آلودگی جنسی همسرش است^{۲۳}

«امام صادق علیه السلام فرمود: در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله، مردی از انصار قصد مسافرت داشت، هنگام خارج شدن از خانه به همسرش گفت: تا من برنگشته‌ام از خانه بیرون نرو، چندی بعد، پدر زن بیمار شد. این زن شخصی را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد که شوهرم گفته از خانه خارج نشو ولی اکنون پدرم بیمار شده است. می توانم به عیادت او بروم؟ حضرت جواب فرمود که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن! چند روز بعد خبر رحلت پدرش را به او دادند. باز به پیامبر صلی الله علیه و آله پیغام داد که آیا می توانم بر جنازه پدرم حاضر شوم؟ حضرت جواب داد که در خانه

بحار ج 99¹⁹
همان²⁰

بحار الانوار، ج 103، ص 247، ح 27²¹

بحار الانوار، ج 103، ص 249، ح 38²²

وسائل الشیعة، ج 14، ص 248، ح 9

بمان و از شویت اطاعت کن! تا اینکه پدرش را بخاک سپردند. وقتی شوهر از سفر آمد با زنش نزد پیامبر رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله به زن بشارت داد که در مقابل اطاعت تو از شوهرت، خداوند سبحان تو و پدرت را آمرزید.^{۲۴}»

امّ سلمه از پیامبر دربارهٔ ثواب خدمت زن به شوهرش پرسید. حضرت فرمود: «وقتی زن در خانه کار می‌کند و مثلاً وسیله‌ای را از جایی برمی‌دارد و در جای دیگر می‌گذارد، در این حال خداوند به او نظر می‌کند. و هر که خدا به او نظر کند، او را عذاب نمی‌کند.»

و فرمود:

«در نزد خداوند، نشستن زن در کنار شوهرش، از اعتکاف در مسجد من بالاتر است.»

و فرمود:

«هر زنی که در خانه شوهر، طوری شوهرداری کند که صلاح شوهر او باشد، خدا همه گناهان او را محو می‌کند و حسناتش را مضاعف می‌نماید. و چون از شوهر حامله شود، آنقدر برایش ثواب بنویسند، و مانند کسی است در تمام عمر روزه‌دار و دائم الصلوة بوده باشد. و هر بار که کودکش را شیر می‌دهد، مثل این است که بنده‌ای در راه خدا آزاد کرده، و چون کودک را از شیر بگیرد، منادی از آسمان ندا کند: ای زن! تمام گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد.»

پیامبر خطاب به امیر مومنان درباره امیزش فرمود:

«آمیزش در مواقع و حالات زیر چنانچه منجر به انعقاد نطفه شود مکروه بوده
و آثار زیانباری را در پی دارد:

روبه قبله و پشت به قبله، هنگام هلال و بدر و محاق ماه (شب چهارده) - در برابر آفتاب -
عریان - ایستاده - در اول و وسط و آخر ماه که باعث جنون و جذام و صرع در مادر
بچه می شود - بعد از ظهر که موجب قیچی می شود - صحبت کردن موقع آمیزش
که موجب لال بودن بچه می شود - نگاه کردن به عورت زن که موجب کوری فرزند
می شود - قرآن خواندن با حال جنابت - با یک دستمال تمیز کردن زن
و شوهر خود را که باعث جدایی زن و شوهر می شود - نزدیکی در شب عید فطر که
باعث شرور شدن بچه می شود - نزدیکی شب عید قربان که باعث نقصان در انگشتان
بچه می شود - در زیر درخت که کودک قاتل می شود - بین اذان و اقامه - شب
نیمه شعبان که کودک زشت می شود - دوروزمانده به آخر ماه - بالای پشت بام -
در کشتی - بعد از جنب شدن - در حال حیض - شب چهارشنبه - در موقعی که
کودکی در خانه باشد»

آمده است که سه نفر زن نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمدند . یکی از آنها گفت: شوهرم
گوشت نمی خورد! دیگری گفت: شوهرم بوی خوش استعمال نمی کند! سومی گفت: شوهرم
نزدیکی با من را ترک کرده است .

رسول خدا صلی الله علیه و آله از خانه بیرون رفت و از روی غضب عباى خود را بر زمین می کشید . وقتی
وارد مسجد شد، بر منبر بالا رفت و پس از حمد و ثنای الهی، فرمود: چرا عده ای از اصحاب من گوشت
نمی خورند و بوی خوش استعمال نمی کنند و نزدیک زنان نمی روند؟ من گوشت می خورم . بوی خوش
استعمال می کنم و بنزد زنان می روم و هر که سنت مرا عمل نکند از من نیست .

نماینده زنان در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله

«روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در جمع اصحاب و یاران نشسته بودند که اسماء بنت یزید انصاری، به حضور پیغمبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: من نماینده زنان هستم تا از شما سؤالی بپرسم، و این فقط سؤال زنان انصار و مدینه نیست بلکه هیچ زنی در شرق و غرب عالم نیست مگر اینکه وقتی سؤال مرا بشنود، آن را می پذیرد. پس من در حقیقت نماینده همه زنان عالم هستم! پدر و مادرم و خودم فدای شما ای رسول خدا.

حقیقتاً خداوند سبحان شمارا به پیامبری بسوی زنان و مردان مبعوث نمود، ما هم به تو و خدایت، ایمان آوردیم، و بدرستی که ما زنان، خانه نشین و در حجاب و محدود هستیم. غرائز جنسی شما مردها را برطرف می کنیم و فرزندان شما را بزرگ می نمائیم! آن وقت شما مردها چند امتیاز بر ما زنها دارید: شما در نماز جمعه و جماعت و عیادت مریضها و تشیع جنازه و حج پیایی و از همه بالاتر در جهاد شرکت می کنید! وقتی یکی از شما برای حج و عمره و جهاد، خارج می شوید، ما اموال شما را حفظ می کنیم، لباسهای شما را می بافیم، بچه های شما را بزرگ می کنیم در حالی که در اجر و ثواب کارهای شما شریک نیستیم!

در این موقع حضرت با تمام صورت به اصحابش متوجه شد و فرمود: آیا شما تاکنون زنی این چنین دیده اید که به این خوبی مسائل دینش را بپرسد؟

اصحاب گفتند: ما فکر نمی کردیم زنی به این مرتبه برسد!

سپس پیغمبر به طرف آن زن توجه کرد و فرمود: ای خانم! خوب بفهم و به همه زنان اعلام کن! بدرستی که خوب شوهرداری کردن زن و جلب رضایت شوهر و موافق او عمل نمودن، مساوی و معادل همه این کارهای خیری است که مردان انجام می دهند!

آن زن در حالی که زبان رابه لا اله الا الله بلند کرده بود نزد زنان برگشت.^{۲۵}

رسول خدا (ص) شب زفاف فاطمه (س)، شترش بنام شهباء را آورد و فاطمه را بر آن سوار کرد و به سلمان فرمود که دهنه شتر را بگیر و خود، شتر را حرکت دادند. در راه صدای همهمه ای را شنیدند و مشاهده کردند که جبرئیل با هفتاد هزار فرشته و میکائیل با هفتاد هزار فرشته نازل شدند. پیغمبر (ص) سؤال کرد: چه شده که به زمین نازل شده اید؟ گفتند: ما آمده ایم در عروسی فاطمه (س) و علی (ع) شرکت کنیم. در این موقع جبرئیل تکبیر گفت و ملائکه هم تکبیر گفتند و رسول خدا (ص) هم تکبیر گفت. واز این تاریخ بود که تکبیر گفتن در عروسی مسلمین رسم شد.^{۲۶}

فردای شب زفاف فاطمه (س)، صبح هنگام رسول خدا (ص) با ظرفی شیر به حجله رفت و ظرف شیر را به فاطمه (س) داد و فرمود: بخور! پدرت به فدایت. سپس ظرف شیر را به دست علی (ع) داد و فرمود: بخور! پسر عمویت بفدایت.^{۲۷}

هدیه پیامبر به زهرا (س) و علی (ع)

«وقتی صبح عروسی حضرت زهرا، رسول خدا به دیدار او آمدند. فرمودند هدیه من به شما این است که کارهای خانه را تقسیم می کنم. کارهای داخل خانه برای زهرا که نامحرم او را نبیند و کارهای خارج از خانه برای امیرالمؤمنین.

در این موقع حضرت زهرا فرمود: وقتی رسول خدا این مسئولیت کار خارج از خانه را از من برداشت فقط خدا می داند چقدر من خوشحال شدم.^{۲۸}

^{۲۵} میزان الحکمه 4/2869

^{۲۶} فاطمه سرور زنان عالم

^{۲۷} بحار 43/140

همچنین زن باید هر زمان شوهر به او نیاز داشت، تمکین کند. لباس و ظاهر خود را با بهترین وجه بپاراید . اسرار خانه را برای زنان فامیل و همسایگان نقل نکند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله : بیشترین کسیکه بر زن حق دارد، شوهرش است و بیشترین کسیکه بر مرد حق دارد، مادرش است.^{۲۹}

پیامبر عظیم الشان اسلام در این مورد می فرماید: «من دخل السوق فاشترى تحفة فحملها على عياله كان كحامل صدقة الى قوم محاويج؛^{۳۰} مردی که وارد بازار شود و تحفه ای برای خانواده اش بخرد، اجر و پاداش او برابر با کسی است که نیازهای نیازمندان را برآورد.»

«رسول خدا(ص): حقّ مرد بر زن آنستکه زن برای شویش چراغ روشن کند و غذای خوب تهیه نماید و تادرب حیاط، به استقبالش شتابد و به او خوش آمد گوید و طشت و حوله آورد و دست او را بشوید و جز بخاطر علّتی و عذری، خود را از شویش منع ننماید.»^{۳۱}

روایت شده که: زنی خدمت حضرت رسول(ص) آمد و از حق شوهر بر زن سؤال کرد.

حضرت فرمود: آنقدر زیاد است که نمی توان همه آنها را گفت! ولی از جمله حقها آن است که زن بدون اجازه شوهر روزه مستحبی نگیرد و از خانه بیرون نرود و به نیکوترین بوهای خوش، خود را خوشبو کند

²⁸ فاطمه سرور زنان عالم

معارف قران و اهل بیت ع²⁹

امالی صدوق، ص 672؛ وسائل الشیعه، ج 21، ص 514³⁰

مکارم الاخلاق³¹

وبهترین لباسهای خود را بپوشد و به بهترین زینت، آرایش کند و هر صبح و شب خود را بر شویش عرضه کند و اگر شویش قصد مقاربت داشت، ممانعت ننماید.»^{۳۲}

مردی که به زنش نیکی می کند کریم است و هر که به زنش اهانت کند لئیم است^{۳۳}

هر چقدر ایمان مرد بیشتر شود علاقه اش به همسرش بیشتر می گردد^{۳۴}

اگر مرد به زنش کمک کند پاداش پیامبرانی چون داود و یعقوب و عیسی را به او می دهند. و یک ساعت کار در خانه مساوی عبادت فراوانی است.^{۳۵}

. پیامبر اعظم فرمود: از ما نیست کسی که از جهت مال و ثروت در وسعت باشد لیکن بر اهل و عیالش سختگیری کند.

و باز فرمود: عیال مرد اسیران او هستند. پس هر که خدا به او نعمتی داده باید مخارج اسیرانش را توسعه دهد والا ممکن است نعمتهایش گرفته شود.. امام کاظم ع فرمود: اسراف و سخت گیری در خرج نسبت به خانواده هر دو مکروه هستند. و امام رضا ع فرمود: سزاوار است مرد در مخارج اهل و عیالش توسعه دهد تا منتظر مرگش نباشند^{۳۶}

«رسول خدا (ص): بیشترین کسیکه بر زن حق دارد، شوهرش است و بیشترین کسیکه بر مرد حق دارد، مادرش است.»^{۳۷}

«رسول خدا (ص): سخن مرد که به زنش بگوید: تو را دوست دارم. هیچگاه از دل زن بیرون نرود.»^{۳۸}

حلیۃ المتقین³²

. نهج الفصاحه ص 318³³

وسائل ج 14 ص 9³⁴

بحار ج 101 ص 132³⁵

نظام خانواده در اسلام - محمد رضا سالاری فر³⁶

میزان الحکمة³⁷

«رسول خدا (ص): مردیکه کنار همسرش بنشیند، در نزد من از اعتکاف در مسجدم بالاتر است.»^{۳۹}

«رسول خدا (ص): بوی بهشت از مسیر پانصد سال به مشام می‌رسد ولی عاق والدین و دیوث این بورا احساس نمی‌کنند! سؤال شد: یا رسول الله! شخص دیوث کیست؟ فرمود: کسیکه می‌بیند زنا می‌کند ولی بی تفاوت است!»^{۴۰}

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر مردی که همسر خود را به زنا نسبت دهد از کارهای نیک خود جدا می‌شود همچنانکه ما از پوست خود بیرون می‌رود (اعمالش باطل می‌شود) و به مقدار هر موئی که بر بدن اوست هزار گناه برایش می‌نویسند.^{۴۱}

«رسول خدا (ص): ملعونه است! ملعونه است! زنیکه شوهرش را بیازارد و او را ناراحت کند. و سعادتمند است زنیکه شوهرش را احترام نماید و در همه حالات مطیع او باشد.»^{۴۲}

«رسول خدا (ص): کسیکه بر بداخلاقی زنش صبر کند، برای هر دفعه صبر کردن، ثواب حضرت ایوب (ع) را به او می‌دهند.»^{۴۳}

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر مردی که همسر خود را به زنا نسبت دهد از کارهای نیک خود جدا می‌شود همچنانکه ما از پوست خود بیرون می‌رود (اعمالش باطل می‌شود) و به مقدار هر موئی که بر بدن اوست هزار گناه برایش می‌نویسند.^{۴۴}

³⁸ همان

³⁹ همان

⁴⁰ وسائل الشیعة

بجارج 100 ص 249.⁴¹

⁴² میزان الحکمة

⁴³ همان

پیامبر خداصلی الله علیه و آله فرمود: «خیر نسائکم الطیبۃ الطعام»^{۴۵} بهترین زنان شما زنی است که غذای پاکیزه و دلپسند درست کند.

((و زوجه مؤمنه تسره اذا نظر الیها و تحفظه اذا غاب عنها فی نفسها و ماله))^{۴۶}

پیامبر اکرم (ص) از خداوند عزوجل نقل می کند که فرمود: وقتی بخواهم خیر دنیا و آخرت را برای مسلمانی گرد آورم (چهار چیز به او می دهم اول) دلی متواضع و با پروا (دوم) زبانی که با ذکر گوید، (سوم) بدنی که بر بلا صبر و استقامت کند (چهارم) زن با ایمانی که چون به او نگاه کند، خوشحال و شاد شود، و در نبودن شوهر عقیف و در اموال شوهرش امین باشد. حضرت رسول راجع به زنی که شوهرش با او کار دارد اما او آنقدر معطل می کند تا شوهر به خواب رود فرمود: این زن همواره در لعنت ملائکه است تا شوهرش بیدار شود^{۴۷} زن همواره باید برای شوهر آراسته باشد.

پیامبر اکرم (ص) نیز به زنی که از حقوق شوهر پرسیده بود فرمود: بر زن است که با بهترین عطر، خود را خوشبو کند، و بهترین لباس خود را بپوشد، و با بهترین زینت خویش، خود را زینت دهد و هر صبح و شب خود را بر شوهر عرضه کند.^{۴۸}

((انی اتعجب ممن يضرب امراته و هو بالضرب اولی منها))

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده: تعجب می کنم از مردی که همسرش را می زند در حالی که خویش مستحق تر است به کتک خوردن.^{۴۹} (خود دهها خطا را انجام داده است اما تحمل یک خطا

بحار ج 100 ص 249.⁴⁴

الكافي، ج 5، ص 325⁴⁵

کافی، ج 5 ص 327⁴⁶

کافی ج 5 ص 508⁴⁷

کافی، ج 5 ص 509 و 508⁴⁸

داستان شگفت انگیز از حضرت آیه الله دستغیب، ص 269⁴⁹

را ندارد).

((من اضر بامراءة حتى تفتدى منه نفسها لم يرض الله له بعقوبة دون النار.))

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر مردی که همسرش را آزار دهد تا مهرش را ببخشد و جانش را آزار کند، خداوند به کمتر از جهنم او راضی نخواهد شد.^{۵۰}

زنی که در برابر همسرش، هیچ نرمش و انعطاف ندارد و پیوسته به دنبال مقاومت و پافشاری و جبهه گیری در برابر خواسته های شوهر است. چنین زنی از دیدگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله از بدترین زنان است^{۵۱}

پیامبر اکرم -صلی الله علیه و آله

.حُبِّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا النَّسَاءِ وَالطَّيِّبُ وَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ^{۵۲}

رسول خدا(ص)فرمود: از دنیا سه چیز به نظر من خوش آیند است زنان و عطر ولی روشنی چشم من در نماز است.

ما بنی بناء فی الاسلام أحب إلى الله تعالى من التزویج^{۵۳} «هیچ بنایی در رسول خدا(ص) می فرمود: «نزد پروردگار محبوب تر از بنای خانوادگی نیست

با پنج (نوع) زن ازدواج نکن

در حدیث معتبر از رسول گرامی اسلام محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است که آن حضرت از زید بن ثابت پرسید: آیا ازدواج کرده و زن اختیار نموده ای؟ زید بن ثابت جواب داد:

وسائل ج 15، ص 490⁵⁰

بحارالانوار، ج 103، ص 235، ح 20

51

⁵² شیخ صدوق، الخصال، دو جلد در يك مجلد، انتشارات جامعه مدرسین قم، 1403 هجری قمری، ح 217، ج 1 ص 165.

⁵³ شیخ صدوق، الفقیه، قم، انتشارات اسلامی، 1404 ق، ج 3، ص 383.

نه، هنوز یا رسول الله. حضرت فرمود: ای زید زن بگیر تا پاکدامن بمانی، ولی با پنج (نوع) زن ازدواج نکن.

زید گفت: آنها کدام زنان هستند یا رسول الله!؟

فرمود: عبارتند از (شهبره)، (لهبره)، (نهبره)، (هیدره)، و (لفوت)

زید عرض کرد: یا رسول الله، اینها که فرمودید، من نمی دانم یعنی چه؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مگر شما عرب نیستید؟!؟

(شهبره) به زنی می گویند که کبود رنگ و آبی چشم و بدزبان و بی حیا و هر چه به دهندش آید بگوید.

(لهبره) به زنی می گویند بلند قامت و لاغر اندام (کم عقل) باشد

(نهبره) به زنی می گویند که کوتاه قد و بد قیافه و زشت (سخن) باشد

(هیدره) به زنی می گویند که پیر سالخورده و حيله گر و مکاره باشد

(لفوت) به زنی می گویند که از قبل فرزند یا فرزندی داشته باشد

باز هم از نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که به زید بن ثابت فرمود: ای زید زن بگیر که ازدواج کردن و زن گرفتن مایه برکت و مزید عفت است، ولی از ازدواج با دوازده (نوع) زن پرهیز کن

زید گفت: آنها را برای من معرفی کن یا رسول الله؟

حضرت فرمود

(هنفصه): زنی که سلیطه باشد

(عنقصه): زنی که پر حرف و بدبو باشد

(شهبره): زنی که کبود رنگ و آبی چشم و بدزبان باشد

(سقلقیه): زنی که از (عقب) از دبرش حیض ببیند

(مذبوبه): زنی که کم عقل و یا دیوانه بوده باشد

(مذمومه): زنی که ذم شده و نکوهیده باشد

(حنانه): زنی که مرتب از شوهر سابقش یاد کند

۱. (منائه): زنی که با مال و ثروت خود بر شوهرش منت گذارد

۲. (رفثاء): زنی که بد سخن و فحاش و بدگو باشد

۳. (هیدره): زنی که پیر فرتوت و حيله گر باشد

۴. (ذوقناء): زنی که به عمل جنسی و آمیزش بی رغبت باشد

۵. (لفوت): زنی که از شوهر قبلی خود فرزند داشته باشد

باز هم در حدیثی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است فرمود: آیا خبر ندهم شما را به بدترین زنها، و آن زنی است که در نزد کسان خود خوار و ذلیل و نسبت به شوهر عزیز باشد و عقیم و کینه دار باشد و از کار زشت و قبیح کناره نجوید و در غیاب شوهرش زینت کند و در حضور شوهر زینتش را از او بپوشاند و حرف او را نشنود و فرمان او را اطاعت نکند و در خلوت از شوهرش تمکین ننماید عذر شوهرش را نپذیرفته و اگر خلاقی از او صادر شد آن را نقل مجالس کند.

۶. و همچنین آن حضرت فرموده

بدترین زنان شما زن نازا، کثیف، لجباز، و نافرمانی است که در چشم فامیلش حقیر و در نظر خود عزیز باشد و نسبت به شوهر خود سرکش و نافرمان و با دیگران رام و تسلیم و خوش صحبت باشد! ^{۵۴}

زنی که با شوهر خود پر خاشگیری می کند

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: هر زنی که با زبان خود با شوهرش پر خاشگیری نماید در روز قیامت او را با زبان آویزان نموده و دو دستش را با میخهایی از آتش میخکوب خواهند نمود! ^{۵۵}

زنی که با زبان خود شوهرش را مورد آزار و اذیت قرار می دهد

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: خدای متعال اعمال نیک زنی که با زبانش شوهر خود را

مورد آزار و اذیت قرار می دهد قبول نمی کند مگر آن هنگامی که رضایت شوهرش را جلب

نماید. ^{۵۶}

زنی که به شوهر خود سخنی ناروا بگوید
پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: زنی که به شوهر خود بگوید: اُف بر تو! مورد لعن و نفرین
خدای متعال و ملائکه و مردم قرار دارد^{۵۷}

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: زنی که با زبانش با شوهرش حاضر جوابی کند؛ او را با
زبانش آویزان می کنند و میخ هائی از آتش را به دستان او می کوبند!^{۵۸}

زنی که بر شوهرش مَنّت می گذارد

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: چنانچه زنی تمام طلاها و نقره های زمین را به عنوان جهاز
به منزل شوهرش ببرد، اما روزی از روزها این زن به شوهر خود سرکوفت زده و به او بگوید: تو دیگر
کیستی؟! این مال، مال من است، در این صورت، ثواب اعمال چنین زنی نابود می گردد حتی اگر او
از جمله ی بهترین عبادت کنندگان باشد. مگر آنکه از کرده ی خود توبه نموده و از شوهرش
عذرخواهی نماید.^{۵۹}

اگر ناسازگاری با شوهر و آزار دادن به او نبود هیچ زن نمازگزاری به آتش قیامت نمی سوخت

رسول اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه سخنرانی عجیبی فرمودند: ای زنان! در راه خدا
صدقه دهید گرچه از زیور و زینت خود، گرچه یک دانه خرما، چه اینکه بیشتر شما هیزم جهنم
هستید، لعنت می کنید، و نسبت به خدمات شوهر سپاسگزار نیستید. زنی عرضه داشت: مگر ما نیستیم
که مادری می کنیم، کودک را ماه ها در شکم می پرورانیم، به او شیر می دهیم، مگر این دختران
سرپرست خانه ها، و این خواهران دلسوز برادرها از جنس ما نیستند؟ فرمود: چرا، باردار هستید،

^{۵۶} مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۴۶۳

^{۵۷} عوالم علوم سنیة النساء (علیها السلام) و مستدرکاتها ج ۱ ص ۵۲۴

^{۵۸} مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۲۴۰

^{۵۹} rasekhoon.net/article/show/740585/

فرزند می آورید، شیر می دهید، مهربان و با عاطفه اید، اگر ناسازگاری با شوهر و آزار دادن به او نبود هیچ زن نمازگزاری به آتش قیامت نمی سوخت.^{۶۰}

جویر و دلفا

جویر «مرد جوان تازه مسلمانی است که در مدینه مانده تا دینش را نزد پیغمبر درست کند و در «صفه ای که کنار مسجد بود، در میان فقرا جا داشت. گاهی نان و گاهی خرما و گاهی هر دو از طرف پیغمبر به او می رسید

:روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله او را مورد لطف بیشتری قرار داد و پرسید

«آیا میل ازدواج داری؟»

«عرض کرد: «یا رسول الله! بلی اما کی به من دختر می دهد؟ من که نه مال دارم و نه شأن و نه قیافه

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اسلام، همه چیز را جبران می کند. مؤمن همشأن مؤمنه است

المسلم کفو المسلمه

«سیاه و سفید ندارد، عرب و عجم ندارد، همه یکنواخت است و میزان تقواست

حضرت او را نزد زیاد بن لبید، - که از اشراف قبیله ای از قبایل اطراف مدینه بود - فرستاد و فرمود: «به

«او بگو پیغمبر مرا فرستاده که دختری را به عقد من درآوری

جویر اطاعت کرد و رفت در مجلس زیاد بن لبید چند نفر دیگر هم حضور داشتند و گفت: «پیغامی

«از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله برایت دارم، آیا در حضور دیگران بگویم یا خصوصی

زیاد گفت: «زهی شرف از پیغام رسول خدا صلی الله علیه و آله مانعی ندارد در حضور دیگران

«بگویی

«گفت: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دختری دلفا را به عقد من درآوری

«زیاد، یکه خورد و آنچه در دلش بود گفت: «تو همشأن ما نیستی، چگونه به تو دختر بدهم؟ جویر برخاست که برود، گفت: «به خدا سوگند! آنچه تو می گویی راه و روش اسلام نیست». آنگاه حرکت کرد.

«دختر از پدرش پرسید: «کی بود؟ و جریان چه بود؟

زیاد گفت: «جوان فقیری آمده بود و می گفت از پیش پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده و او را «فرستاده است که تو را به او تزویج نمایم

دختر گفت: «پدر! زود دنبالش برو تا رسول خدا صلی الله علیه و آله را ناراحت نکرده است او را «بیاور

زیاد به دنبال جویر رفت و گفت: «برگرد تا من خودم به مدینه بروم و بینم آیا خود رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین فرموده است یا نه؟

به مدینه آمد و جریان را از پیغمبر صلی الله علیه و آله پرسید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آری من او را فرستاده ام». برگشت و لباس مناسبی برای جویر فراهم کرد، وسایل زندگی اش را نیز «تهیه و خانه ای نیز برایش آماده کرد

جویر، شب عروسی نگاه به صورت دختر کرد و جمالش را دید گفت: «ای خدایی که تو به من نعمت دادی، شکر تو مقدم بر هر چیزی است». و تا صبح، نماز و سجده شکر بجا آورد و فردا نیز به شکرانه این نعمت، روزه گرفت، سه شبانه روز وضعش چنین بود

روز سوم زیاد خیلی ناراحت بود، خدمت پیغمبر آمد و گفت مثل این که این داماد اقتضای ازدواج ندارد

«پیغمبر صلی الله علیه و آله کسی را به دنبالش فرستاد و از او پرسید: «مگر میل به زن نداری؟

«گفت: «چرا خیلی هم مایل هستم

«فرمود: «پس چرا از همسرت کناره گرفته ای؟»

عرض کرد: «به خاطر شکر این نعمت بزرگ، خواستم سه شبانه روز، شبها به طاعت به سر برم و
«روزها روزه بگیرم؛ اما از امشب به سراغش می روم.»^{۶۱}

در کافی با اسناد خود از امام صادق (ع)، به نقل از پدرانش (ع) نقل شده که آن حضرت می گوید:
«رسول خدا (ص) فرمود: یک فرد مسلمان پس از اسلام هیچ بهره ای به دست نیاورده است که بالاتر
از همسر مسلمانی باشد که هر گاه بر او نظر کند باعث شادمانی او گردد و هر گاه دستوری دهد
اطاعت کند و در غیاب او، جان و مالش را حفظ کند.» *کافی، ج ۵، ص ۳۲۷.*** و نیز به اسناد
خود از آن حضرت نقل کرده:

«رسول خدا (ص) فرمود: تزویج کنید و به همسری در آورید! بدانید که از بهره مندی و خوشبختی
انسان، ازدواج کردن و دادن هزینه دامادی است، و هیچ چیزی نزد خدای عزّ و جلّ محبوبتر از خانه
ای نیست که در اسلام به وسیله ازدواج آباد شود و هیچ چیزی در نزد خدای عزّ و جلّ مبعوضتر از
خانه ای نیست که در اسلام به وسیله جدایی - یعنی طلاق - ویران گردد. سپس امام صادق (ع) فرمود:
خدای متعال درباره طلاق تأکید فرموده و خشم خود را نسبت به جدایی زن و مرد چندین بار بیان
کرده است.» *همان مأخذ، ص ۳۲۸.***

و نیز به اسناد خود از آن بزرگوار نقل کرده است: «دو رکعت نمازی را که شخص ازدواج کرده به
جا آورد بهتر از هفتاد رکعتی است که فرد مجرد به جا آورد.» *همان مأخذ، ص ۳۲۸.***
و به اسناد خود از آن حضرت نقل کرده است: «رسول خدا (ص) فرمود: هر کس ازدواج کند نصف
دینش را تأمین کرده و باید نسبت به نصف دیگر - و یا باقیمانده آن - از خدا بترسد.» *همان مأخذ،
ص ۳۲۹.***

و با اسنادی از امام صادق (ع) نقل کرده است: «رسول خدا (ص) فرمود:
پست ترین مردگان شما افرادی هستند که عزب بمیرند.» *همان مأخذ، ص ۳۲۹.***

و نیز به اسناد خود از آن حضرت نقل کرده است، فرمود: «وقتی که حضرت یوسف برادرش را ملاقات کرد، گفت: برادر چگونه بعد از من توانستی با زنان ازدواج کنی؟ جواب داد: پدرم - یعقوب - مرا مأمور به ازدواج کرد و گفت: اگر می توانی دارای فرزندان باشی که زمین را با تسبیح خدا سنگین کنند، ازدواج کن.» *کافی، ج 5، ص 329***.

و با اسنادی از امام صادق (ع) نقل کرده است: «امیر المؤمنین (ع) فرمود: ازدواج کنید که رسول خدا (ص) فرمود: هر کس دوست دارد از سنت من پیروی کند، همانا ازدواج از سنت من است.» *کافی، ج 5، ص 329***.

و به اسناد خود، از آن حضرت نقل کرده است که فرمود: «مردی نزد پدرم آمد، پدرم پرسید: آیا شما همسر دارید؟ عرض کرد: خیر. پدرم فرمود: دو رکعت نمازی که مرد همسر دار به جا آورد با فضیلت تر از آن است که مرد بدون همسری شبها مشغول عبادت و روزها روزه دار باشد. آنگاه پدرم، هفت دینار به او داد و فرمود: با این مبلغ ازدواج کن، و بعد گفت: رسول خدا (ص) فرموده: تأهل اختیار کنید که روزی تان بیشتر می شود.» *کافی، ج 5، ص 329***.

و نیز به اسناد خود از آن حضرت نقل کرده است: «هر که از ترس نیازمندی و فقر ازدواج را ترک کند، به خدا بدبین شده است.» *همان مأخذ، ص 330***.

و با اسناد خود از آن حضرت نقل کرده است که فرمود: «مردی خدمت پیامبر (ص) رسید و از نیازی که داشت به حضور آن بزرگوار شکوه کرد، پیامبر فرمود:

ازدواج کن، آن مرد ازدواج کرد و روزی اش فراوان شد.» *همان مأخذ، ص 330***.

و نیز به اسناد خود، نقل کرده، می گوید: «از امام صادق (ع) راجع به این حدیث پرسیدند که مردم نقل می کنند؛ مردی خدمت پیامبر (ص) آمد، و از نیازمندی خود، شکایت کرد. پیامبر او را مأمور به ازدواج کرد، و او دستور پیامبر را اجرا کرد، ... آیا چنین حدیثی درست است یا نه؟ امام صادق (ع) فرمود: آری این حدیث درست است و بعد افزود: روزی به همراه زنان و عیال است.» *کافی، ج 5، ص 330***.

و با اسناد خود از آن حضرت به نقل از پدرانش آورده است: «رسول خدا (ص) فرمود: هر کس از بیم

فقر و تنگدستی ازدواج را ترک کند، به خدا بد گمان شده است، زیرا خداوند عز و جل می فرماید:
إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ * * * نور / 32: ص 330.

۱. بیان آداب، سبک رفتار و سیره پیامبر (ص) در ازدواج را اینگونه دسته بندی می کنیم

بی توجهی به مظاهر مادی: خواستگاران حضرت فاطمه (س)، معمولاً از افراد سرشناس و یا دارای ثروت و مکنت بودند. مثلاً عبدالرحمان بن عوف نیز با پیشنهاد مهریه ای کلان به خواستگاری آمده بود.^{۶۲} ولی پیامبر اکرم (ص) و حضرت فاطمه (س) به خواستگارها پاسخ منفی دادند.

مشورت با دختر: پیامبر اکرم (ص) بر خلاف عرف جامعه آن روزگار که مشورت با دختران را ناپسند می شمرد^{۶۳}، در همه موارد ابتدا با حضرت فاطمه (س) مشورت کرده و قبل از آن، نظری ابراز نمی نمود. در خواستگاری امیرالمؤمنین (ع) نیز پیامبر (ص) با رویی گشاده از ایشان استقبال نمود ولی پاسخ درخواست ازدواج را منوط به نظرخواهی از حضرت فاطمه (س) کرد.^{۶۴}

تبیین همسانی (کفو): همسانی زن و شوهر مورد توجه همه جوامع و افراد است، ولی تبیین مراد از همسانی در جوامع و افراد متفاوت است. پیامبر اکرم (ص) در موارد ازدواج دیگران همچون ازدواج جویر (صحابی فقیر خود) با زلفی (دختر یکی از رؤسای قبایل عرب) تصریح کردند که مراد از همسانی، ثروت و موقعیت اجتماعی نیست، بلکه دین، خُلق و فرهنگ است. با توجه به این تعریف از کفویت، سرور زنان جهانیان قرین و همسانی نداشت. از این رو حضرتش در ازدواج حضرت فاطمه (س) فرمود: «لولا علی ما کان لها کفو».^{۶۵} یعنی والایی شخصیت، ایمان و فرهنگ حضرت فاطمه (س) اقتضاء می کند که تنها امیرالمؤمنین (ع) شایسته ازدواج با ایشان باشد. دیگر افراد در هر

^{۶۲} دلائل الامامة، ص 82

^{۶۳} المفصل فی تاریخ العرب، ج 4 ص 636

^{۶۴} امالی طوسی، ص 39 ح 44.

^{۶۵} بحارالانوار، ج 43، ص 58.

موقعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که باشند صلاحیت ازدواج با او را دارا نیستند. گفتنی است، در مورد سایر دختران پیامبر(ص) نیز این اصل رعایت شده است ولی به سبب آن که آنها از والایی منحصر به فرد حضرت فاطمه(س) برخوردار نبودند، پیامبر اکرم(ص) با ازدواج آنها با اقران خویش موافقت نمود.

جلوه گری حیا: آن گاه که پیامبر(ص) خواسته خواستگاران را با حضرت فاطمه(س) در میان می نهاد حضرتش بدون کلام و تنها با رفتار خود به پیامبر(ص) پاسخ می داد. در مورد خواستگاهای قبلی، ایشان روی برمی گرداند و مخالفت خویش را ابراز می نمود. ولی آنگاه که خواستگاری امیرالمؤمنین(ع) را شنید سر به زیر انداخت و سکوت کرد. پیامبر(ص) با تقدیر شایستگی حیای دخترانه حضرت فاطمه(س) فرمود: «الله اکبر سکوت ها اقرارها؛ سکوت او نشانه پذیرفتن اوست».⁶⁶ و به این گونه زیبایی سکوت و حیای زنانه را ستود

ارائه مشورت به دختر: اگر چه نظرخواهی از دختر هنگام ازدواج امری لازم و ضروری است ولی مشورت دادن به او در انتخاب مسیر صحیح نیز مورد توجه پیامبر(ص) بوده است. ایشان در موارد پیشین تنها به اعلام خواستگاری فرد بسنده می نمود ولی در هنگام رساندن پیام خواستگاری امیرمؤمنان(ع) فرمود: «علی بن ابی طالب کسی است که خویشاوندی، فضایل و اسلامش را می شناسی، من از خداوند خواسته ام تو را به همسری بهترین آفریدگانش و محبوب ترین آنها در نزدش درآورد، اکنون علی از تو خواستگاری کرده است. نظرت چیست؟».⁶⁷

تعیین مهریه اندک: مهریه یا صداق، نشانه صدق مرد در خواستگاری از زن دانسته شده است. از این رو به گمان برخی، افزونی صداق نشان دهنده ارزش گذاری بیشتر برای همسر آینده است. این باور غلط کهن، اکنون نیز در جامعه و حتی در میان اقشار تنگدست، وجود دارد. پیامبر اکرم(ص) با این رویه نیز مخالفت کرد. زیرا امیرمؤمنان(ع) همانند بیشتر مهاجران و انصار، زندگی فقیرانه ای داشت و

⁶⁶ بحارالانوار، ج 43، ص 127.
⁶⁷ همان

برای گذران زندگی نیز دچار مشکل بود. پیامبر اکرم (ص) با تعیین مهریه‌ای اندک، عنوان مهرالسّنه را به یک اصطلاح تبدیل کرد تا پیروان حضرتش بدانند که شخصیت زن و مبارکی ازدواج به فراوانی مهریه نیست.

تعیین مهریه مطابق با دارایی مرد: دارایی امیرمؤمنان (ع) هنگام ازدواج تنها سه چیز بود: شتر آبکشی، که با آن کار می‌کرد، شمشیر، که در میدان جنگ بدان نیاز داشت و زره که هنگام مبارزه حضرت را از تیررس دشمنان محافظت می‌کرد.^{۶۸} پیامبر (ص) به ایشان فرمود: «زره از بقیه دارایی تو، کمتر به کارت می‌آید بنابراین همان را مهر حضرت فاطمه قرار بده». مهریه تعیین شده اندک و در وسع داماد بود. امیرمؤمنان به صورت بالفعل مهریه را مالک بود و همان زمان مهریه را به پیامبر (ص) پرداخت نمود. زره خود را به قیمت 480 درهم فروخت و پول آن را در اختیار پیامبر (ص) قرار داد. اگر چه خریدار زره، دوباره آن را به امیرمؤمنان (ع) بازگرداند زیرا بیشتر از او مورد نیاز حضرتش بود. علنی و عمومی بودن عقد: آنگاه که قرار بر ازدواج امیرمؤمنان (ع) و حضرت فاطمه (س) گذاشته شد، پیامبر اکرم (ص) قاصدانی را به اطراف مدینه فرستاد و مردم را به مسجد فراخواند. در بالای منبر خطبه خواند و ازدواج آنها را اعلان کرد. امیرمؤمنان (ع) نیز خطبه خواند و رضایت خویش را بیان نمود.

جهیزیه ساده: پیامبر اکرم (ص)، یک سوم از مهریه را در اختیار ابوبکر نهاد تا با آن جهیزیه ساده‌ای تهیه کند. جهیزیه‌ای که بیشتر آن از اجناس سفالین و مطابق با زندگی ساده و محقرانه پیامبر (ص) و امیرمؤمنان (ع) بوده است. لیست جهیزیه حضرت فاطمه (ع) در مصادر تاریخی و حدیثی آمده است.^{۶۹} پیامبر (ص) پس از دیدن جهیزیه این گونه دعا نمود: «بارالها، مبارک گردان برای کسانی که بیشتر...! ظروف آن سفالین است».

^{۶۸} کشف الغمّة، ج 1، ص 355.

^{۶۹} امالی طوسی

ولیمه عمومی: ولیمه دادن در عروسی مورد تأکید اسلام است^{۷۰} پیامبر اکرم (ص) هنگام عروسی خویش نیز ولیمه داده‌اند،^{۷۱} ولیمه ازدواج حضرت فاطمه (س) به گونه گسترده در متون حدیثی و تاریخی ذکر شده است.^{۷۲} پیامبر (ص) به امیرمؤمنان (ع) فرمود: «مراسم عروسی، ولیمه لازم دارد». جناب ایشان شخصاً دست اندر کار ولیمه بود. دعوت به ولیمه نیز عمومی بوده و اختصاص به گروه خاصی نداشت.^{۷۳}

ولیمه دادن فقط در پنج چیز است: عروسی، ختنه، خرید خانه، سفر حج و تولد فرزند.^{۷۴} غذای ولیمه: افزون بر نانی که پخته و گوسفندی که ذبح و آماده شد، پیامبر اکرم (ص) به دست خویش شیرینی با خرما و روغن آماده کرد. غذای عروسی بسیار خوش خوراک و با برکت بود به گونه‌ای که برخی میهمانان، شیرینی و ولیمه هیچ عروسی را با آن قابل مقایسه ندانستند. برخی نیز^{۷۴} گفته‌اند: «هیچ ولیمه‌ای در آن زمان برتر از این ولیمه نبود».

تلاش برای ساماندهی زندگی جدید: تهیه منزل برای خانواده جدید، از دغدغه‌های اصلی پس از هر ازدواج در همه زمان‌ها بوده است. امیرالمؤمنین (ع) از افراد مهاجر به مدینه بود و طبیعتاً منزل ویژه‌ای حضرت فاطمه (س) نیز تمایل داشت. نداشت، از این رو در صدد بود منزلی در وسع خود آماده کند که در نزدیکی پیامبر (ص) زندگی کند تا ملاقاتش با حضرت راحت‌تر باشد، این خواسته نیز خواسته‌ای طبیعی در آن دوره و امروز است. پیامبر اکرم (ص) خود در منزلی که در ملک حارثه بن نعمان بود، زندگی می‌کرد ولی حیا می‌کرد که برای دختر خویش نیز از او منزلی درخواست کند. آنگاه که حارثه بن نعمان از مطلب آگاه شد با افتخار منزل خود را در اختیار این زوج نهاد تا افتخار

^{۷۰} محاسن برقی، ج ۲ ص ۴۱۷

^{۷۱} کافی، ج ۵ ص ۳۶۸

^{۷۲} سنن نسایی، ج ۶ ص ۷۳

^{۷۳} امالی طوسی، ص ۴۲.

^{۷۴} طبقات کبری، ج ۸ ص ۲۳

⁷⁵ ساماندهی برترین و سرافرازترین خانواده هستی نصیب او شود.

شراکت در مراسم عروسی: مراسم عمومی ازدواج به گونه‌ای بود که طرفین ازدواج در آن دخالت داشتند. به هنگام تهیه ولیمه، پیامبر(ص) به امیرمؤمنان فرمود: «برای این مراسم، غذای فراوانی تهیه کن، گوشت و نان از جانب ما و خرما و روغن بر عهده تو باشد». در پذیرایی نیز هر دو خانواده ⁷⁶ دخالت داشته و با هم مشارکت می کردند.

حضور پیامبر(ص) در جزئیات مراسم: بیشتر امور خصوصی ازدواج حضرت فاطمه(س) بر عهده پیامبر(ص) بود. افزون بر علاقه خاص پیامبر(ص) به حضرت فاطمه(س)، به سبب رحلت حضرت خدیجه(س)، پیامبر اکرم(ص) کارهای مرتبط با مادر خانواده را نیز به عهده گرفت. آوردیم که در تهیه ولیمه، پیامبر اکرم(ص) شخصاً به تهیه شربینی پرداخت. در مراسم کشیدن غذا نیز حضرتش شخصاً شرکت داشت و آشپزی و تقسیم غذا را به عهده داشت. پس از پایان ولیمه - که در روز انجام شده بود - پیامبر اکرم(ص) فاطمه(س) را خواست و او آکنده از آزمون به حضور حضرتش رسید. پیامبر(ص) او را دعا کرد، نقاب از چهره‌اش برگرفت و دستش را در دست امیرمؤمنان(ع) نهاد. آنگاه آنها را به منزل جدید فرستاد و فرمود: «منتظر باشید تا من بیایم». رسول خدا(ص) میان آنها نشست قدحی آب در دست گرفت و قطراتی را بر سر و سینه عروس و داماد پاشید. ⁷⁷ پس از زفاف نیز نزد آنها آمد و ظرفی از شیر آورد و به هر دو خوراند. ⁷⁸

نصیحت و دعا برای خانواده جدید: در تمام مراحل ازدواج، عروسی و تشکیل خانواده جدید، محبت، همراهی، نصیحت و دعای پیامبر(ص) به چشم می آید. آنگاه که پیامبر(ص) دست فاطمه را در دست علی(ع) نهاد فرمود: «یا علی، خدا همسری فاطمه را بر تو مبارک گرداند. فاطمه همسر خوبی است و سپس به حضرت فاطمه فرمود: علی شوهر خوبی است». در منزل جدید هم هر دو را

⁷⁵ اعلام الوری، ص 81.

⁷⁶ امالی طوسی، ص 40 - 42.

⁷⁷ امالی طوسی، ص 42.

⁷⁸ مناقب ابن شهر آشوب، ج 3 ص 131.

دعا کرد و فرمود: «اللهم هذه ابنتی و احب الخلق إلیّ و هذا اخی و احبّ الخلق إلیّ، اللهم لك ولیا و لك حفیّا و بارك له فی اهله».⁷⁹ پس از زفاف نیز نزد آنها آمد و برایشان دعا کرد تا زندگی پر مهر و ⁸⁰فرزندانی پاک و امامان هدایت داشته باشند.

تکبیر گفتن در عروسی: در مراسم عروسی حضرت فاطمه (س)، جبرئیل همراه با هفتاد هزار فرشته به زمین آمدند تا شاهد این عروسی فرخنده باشند. جبرئیل تکبیر گفت و فرشتگان نیز تکبیر گفتند. پیامبر (ص) نیز تکبیر گفت و مسلمانان از ایشان پیروی کردند. پس از آن تکبیر گفتن در مراسم ⁸²عروسی به سنت تبدیل شد.⁸¹

رسول خدا (ص): سه چیز از ستم است. اول آنکه مردی با شخص دیگری رفیق باشد ولی از مشخصاتش سؤال نکند. دوم آنکه شخصی را به غذا دعوت کنند ولی او رد کند و اگر قبول کند، عذان خورد. سوم آنکه شخص قبل از ملاعبه با همسرش، نزدیکی ⁸³کند.»

«رسول خدا (ص): هرگاه زن و شوهر مسلمانی قصد آمیزش داشتند، مانند الاغ کاملاً برهنه نشوند! که اگر کاملاً برهنه شدند، ملائكة الهی از بین آندو می روند.»⁸⁴

رسول خدا (ص): هنگامیکه به عروسی دعوت می شوید با کندی بروید که در آنجا از دنیا یاد ⁸⁵می شود و اگر به تشیع جنازه دعوت شدید، با سرعت بروید که در آنجا، آخرت بیاد می آید.»

⁷⁹ همان

⁸⁰ ilhk

⁸¹ <https://wrc.ir/hora/detail/3/3/1392/68/782>

⁸² امالی طوسی، ص 258

⁸³ بحار ج 99

⁸⁴ همان

⁸⁵ میزان الحکمه

«رسول خدا(ص): ولیمه فقط در پنج چیز مستحب است: ازدواج، ولادت، ختنه، حج و خرید خانه.»^{۸۶}

«رسول خدا(ص): زنیکه قبل از عروسی، مهرش را ببخشد، خداوند برای هر دیناری، ثواب آزاد

^{۸۷}کردن یک بنده را به او می دهد.»

«رسول خدا(ص): بهترین زنان امت، من آنانی هستند که مهرشان کم و صورتشان

^{۸۸}زیباست.»

«رسول خدا(ص): کسیکه مهر زنش را ندهد، در نزد خدا زناکار محسوب می شود! و خدا

در قیامت به او می گوید: بنده ام! کنیزم را برایت طبق عهدهی حلال نمودم ولی تو به

عهدت عمل نکردی! در این موقع خداوند حق زن را از مرد طلب می کند و از

ثوابهای مرد به زن می دهد. و اگر همه حسنات مرد را داد ولی حق زن کامل نشد، خدا

امر می کند مرد را به جهنم بیاورد!«^{۸۹}

«رسول خدا(ص): حیا ده جزء است که نه جزء آن در زنان می باشد و یک جزء در مردان. زن چون

حیض شود، یکجزء آن را از دست می دهد و چون شوهر کند، جزء دیگرش برود و چون بکارتش

ازاله گردد، جزء دیگری از حیا برود و چون فرزندی بزاید، یکجزء دیگر برود و پنج جزء باقی

بماند. و اگر بزنا آلوده گردد و بفساد گراید، همه حیا برود و اگر عفت خود را نگه دارد، پنج جزء

^{۹۰}بماند.»

«رسول خدا(ص): اگر زن نمازهای پنجگانه را بخواند و روزه رمضان بگیرد و خود را از زنا نگه

دارد و اطاعت شوهرش کند، از هر دری که بخواهد به بهشت می رود.»^{۹۱}

«رسول خدا(ص): از گلهای لجنزار بپرهیزید! گفتند: گلهای لجنزار چیستند؟ فرمود: زنان زیبا که

^{۹۲}در خانواده های پست و بد تربیت شده اند.»

^{۸۶} بحار ج ۲۲ ص ۱۲۴

^{۸۷} بحار ج ۱۰۳

^{۸۸} میزان الحکمه

^{۸۹} همان

^{۹۰} مکارم الاخلاق

^{۹۱} همان

^{۹۲} میزان الحکمه

«از جمله دعا‌های رسول خدا (ص) این بود: خدایا! بتو پناه می‌برم از زنیکه قبل از اینکه پیرشوم مرا پیر کند!»^{۹۳}

«رسول خدا (ص): حقّ مرد بر زن آنستکه زن برای شویش چراغ روشن کند و غذای خوب تهیه نماید و تادرب حیاط، به استقبالش شتابد و به او خوش آمد گوید و طشت و حوله آورد و دست او را بشوید و جز بخاطر علّتی و عذری، خود را از شویش منع ننماید.»^{۹۴}

«روایت شده که: زنی خدمت حضرت رسول (ص) آمد و از حق شوهر بر زن سؤال کرد. حضرت فرمود: آنقدر زیاد است که نمی‌توان همه آنها را گفت! اولی از جمله حقها آن است که زن بدون اجازه شوهر روزه مستحبی نگیرد و از خانه بیرون نرود و به نیکوترین بوهای خوش، خود را خوشبو کند و بهترین لباسهای خود را بپوشد و به بهترین زینت، آرایش کند و هر صبح و شب خود را بر شویش عرضه کند و اگر شویش قصد مقاربت داشت، ممانعت ننماید.»^{۹۵}

«رسول خدا (ص): هر زنیکه شوهر او را برای جماع صدا بزند و او تأخیر کند تا اینکه شوهر بخواب رود، پیوسته ملائکه او را لعن کنند تا شوهر بیدار شود!»^{۹۶}

«زنی از رسول خدا (ص) پرسید: چه اجری در آمیزش شوهر با همسرش است؟ حضرت فرمود: چون شوهر نزد تو آید، دو ملک او را همراهی کنند و مانند کسی باشد که شمشیر خود را آماده نموده تا در راه خدا بجنگد. و چون با تو نزدیکی کند، گناهانش بریزد مثل برگ که از درخت بریزد و چون غسل کند، از گناهش بیرون آید.»^{۹۷}

«رسول خدا (ص): بهترین مردان امت من کسانی هستند، که به اهل خانه خود تعدی و ستم روا ندارند و بر آنها رحمت آورند و به آنها ظلم ننمایند.»^{۹۸}

^{۹۳} همان

^{۹۴} مکارم الاخلاق

^{۹۵} حلیة المتقین

^{۹۶} همان

^{۹۷} بحار ج ۲۲ ص ۱۲۴.

^{۹۸} مکارم الاخلاق

«مردی خدمت رسول خدا (ص) آمد و گفت: یا رسول الله! همسری دارم که چون بخانه می روم، به پیشباز می آید و هنگام خارج شدنم، بدرقه ام می کند و اگر مرا اندوهگین ببیند، می گوید: غصّه نخور که اگر غم روزی را می خوری، خداوند روزی رسان است و اگر غم آخرت داری خداوند بر غمهایت بیافزاید! حضرت فرمود: به او بشارت بهشت بده و به او بگو که تو یکی از عاملان خداوندی و در هر روز پاداش هفتاد شهید برایت خواهد بود.»^{۹۹}

«رسول خدا (ص): اگر زنی با خود به خانه شوهر، طلا و نقره و جواهر ببرد. ولی روزی به شوهرش بگوید: تو کی هستی! همه این اموال مال من است! همه اعمالش باطل می شود اگر چه عابدترین مردم باشد. مگر اینکه توبه کند و از شوهرش عذر بخواند.»^{۱۰۰}

«رسول خدا (ص): جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است.»^{۱۰۱}

«رسول خدا (ص): بیشترین کسیکه بر زن حق دارد، شوهرش است و بیشترین کسیکه بر مرد حق دارد، مادرش است.»^{۱۰۲}

«رسول خدا (ص): سخن مرد که به زنش بگوید: تورا دوست دارم. هیچگاه از دل زن بیرون نرود.»^{۱۰۳}

«رسول خدا (ص): مردیکه کنار همسرش بنشیند، در نزد من از اعتکاف در مسجد مبالغه است.»^{۱۰۴}

«رسول خدا (ص): ملعونه است! ملعونه است! زنیکه شوهرش را بیازارد و او را ناراحت کند. و سعادت مند است زنیکه شوهرش را احترام نماید و در همه حالات مطیع او باشد.»^{۱۰۵}

«رسول خدا (ص): کسیکه بر بد اخلاقی زنش صبر کند، برای هر دفعه صبر کردن، ثواب حضرت ایوب (ع) را به او می دهند.»^{۱۰۶}

طلاق

-
- ۹۹ همان
 ۱۰۰ همان
 ۱۰۱ میزان الحکمه
 ۱۰۲ همان
 ۱۰۳ همان
 ۱۰۴ همان
 ۱۰۵ همان
 ۱۰۶ همان

روایت شده که رسول خدا (ص) واسطه ازدواج زن و مردی شد. بعد از مدتی زن نزد حضرت آمد و از شوهرش شکایت کرد. حضرت فرمود: نکند که می خواهی طلاق بگیری؟ آنوقت نزد خداوند، از الاغ مرده، پست تر می شوی!»^{۱۰۷}

خداوند از طلاق نفرت دارد

همانا خداوند جائی که در آن عروسی واقع شود دوست می دارد و جائی که در آن طلاق واقع شود دشمن می دارد، خداوند از هیچ کاری مثل طلاق نفرت ندارد.^{۱۰۸}

زنی که شوهرش او را طلاق داده بود و شوهر می خواست پسر زن را از او بگیرد. زن مطلقه خدمت حضرت رسید عرض کرد: یا رسول الله! شکم من جایگاه پرورش این بچه و پستانهایم محل نوشیدنی او و آغوشم بستر گرم اوست و پدرش مرا طلاق داده، الان می خواهد او را از من بگیرد؟ حضرت فرمود: تا شوهر اختیار نکرده ای تو سزاوارتر به نگهداری طفل و حضانت او هستی^[109]!

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مردی گذر کرد و از او پرسید: زنت را چه کردی؟ گفت: یا رسول الله! طلاق دادم.

فرمود: بی آنکه بدی و بد رفتاری داشته باشد؟

گفت: آری، بدون بد رفتاری و بدی.

سپس آن مرد، زن دیگری گرفت. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) او را دید. پرسید:

چه کردی؟ گفت: ازدواج کردم.

سپس، بعد از مدتی او را دید و پرسید: با زنت چه کردی؟ گفت: طلاقش دادم.

حضرت پرسید: بی آنکه بدی و اشکالی داشته باشد؟

مکارم الاخلاق¹⁰⁷

وسائل ج 15 ص 267¹⁰⁸

¹⁰⁹ ابو داود، ج 1، 513- مسند حنبل، ج 6، ص 412، دار صادر، بیروت - ابن فهد الحلی، المذهب البارع، ج 3، ص 501، جامعه مدرسین، قم، 1411.

گفت : آری .

بار دیگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) او را دید و او از ازدواجی دیگر و طلاق دیگری خبر داد.
رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

خداوند، دشمن می دارد (یا لعنت می کند) هر زن یا مردی را که ذواق و چشنده باشندان الله عزوجل
بیغض (او یلعن) کل ذواق من الرجال و کل ذواقه من النساء.^{۱۱۰}

وقتی پیامبر خدا شنید که یکی از اصحاب - یعنی ابو ایوب انصاری - می خواهد همسر خود را طلاق
دهد، فرمود: طلاق ام ایوب، گناه است^{۱۱۱}).

فاطمه بنت قیس بعد از اینکه شوهرش او را سه بار طلاق داده بود، خدمت حضرت اقامه دعوا نمود، که
شوهرش او را طلاق داده به او نفقه و مسکن نمی دهد. حضرت فرمود: که حق نفقه و مسکن ندارد؛
زیرا نفقه و مسکن در طلاق رجعی است نه طلاق بائن^[۱۱۲].

ثواب بارداری و دوران حمل

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله : زن از روزیکه حامله شود تا زمانیکه وضع حمل نماید و فرزندش را از شیر
بازگیرد، مثل کسی است که درمرز با کافران جهاد می کند ! و اگر در این فاصله بمیرد، ثواب شهید را
دارد.^{۱۱۳}

"لَيْسَ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ"^{۱۱۴}

برای کودک هیچ شیری بهتر از شیر مادر نیست."

فروع کافی ، ج 6، ص 54^{۱۱۰}

^{۱۱۱} وسائل الشیعه، ج 16، ص 266 و 267.

^{۱۱۲} بخاری ، ج 4، ص 151 - مسلم ، ج 5، ص 114 - ابن کثیر ، البدایه و النهایه، ج 2، ص 172، دار احیاء تراث العربی ، بیروت ،
1408.

^{۱۱۳} حلیة المتقین

بحار الانوار، ج 23، ص 76^{۱۱۴}

«رسول خدا (ص): اگر فرزندان را در روز هفتم ختنه کنید، پاکیزه تر است و زودتر زخم آن بهبود می یابد و گوشت می روید.

و فرمود: زمین از بول شخص ختنه نشده تا چهل روز آلوده است.»^{۱۱۵}

«پیامبر اسلام (ص): زن از روزیکه حامله شود تا زمانی که وضع حمل نماید و فرزندش را از شیر باز گیرد، مثل کسی است که درمرز با کافران جهاد می کند! و اگر در این فاصله بمیرد، ثواب شهید را^{۱۱۶} دارد.»

«رسول خدا (ص): خداوند فرموده است: بعزت و جلالم سوگند که هر زن تازه زاء، رطب بخورد، فرزند او را^{۱۱۷} بر دبار گردانم.»

ابوسلمه گوید: زنی از انصار همسر مردی از انصار بود، شوهرش در جنگ احد به شهادت رسید و از وی فرزندی داشت. عموی بچه اش و مردی دیگر او را از پدرش خواستگاری کردند. پدرش او را به ازدواج مرد بیگانه درآورد و عموی فرزندش را کنار گذارد. دختر نزد پیامبر آمد و گفت: پدرم مرا به ازدواج مردی درآورده که او را نمی خواهم. برادر شوهرم فرزندم را از من می گیرد. پیامبر پدرش را فراخواند و فرمود: دخترت را به ازدواج فلان مرد درآوردی؟ گفت: بلی، فرمود: تو اختیاردار ازدواج دخترت نیستی [و رو کرد به دختر و فرمود: برو با برادر شوهرت ازدواج کن].^{۱۱۸}

دختری نزد پیامبر آمد و گفت: پدرم مرا به خاطر خصلت های شخصی به ازدواج پسر برادرش درآورده است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اختیار را به دختر داد: آنگاه دختر گفت به این کار پدرم تن می دهم. خواستم زنان بدانند پدران نسبت به دختران اختیاردار نیستند.»^{۱۱۹}

مکارم الاخلاق^{۱۱۵}

حلیة المتقین^{۱۱۶}

همان^{۱۱۷}

^{۱۱۸} ابو داود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق، ۲۰۰۰ م، ج ۲، ص ۲۳۸.

^{۱۱۹} ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعه الاولى، ۱۴۲۱ هـ، ج ۱، ص ۶۰۲.

ابن عمر دختر دایی اش را به ازدواج عثمان بن مظعون در آورد. مادر دختر نزد رسول خدا رفت و گفت به خدا سوگند دخترم به این ازدواج راضی نیست. رسول خدا دستور داد، دختر جدا شود و فرمود: «زن‌ها را پیش از مشورت با آنان شوهر ندهید. اگر سکوت کردند همان نشانه رضایت است. آنگاه آن دختر با مغیره بن شعبه ازدواج کرد».^{۱۲۰}

گل خوشبو

مردی نزد پیامبر بود، به او خبر دادند که فرزندی برایش متولد شده، رنگ صورتش پرید پیامبر فرمود چه شده؟ گفت: خیر است حضرت فرمود: بگو، گفت: وقتی من می آمدم زنم در حال زایمان بود به من خبر دادند که دختر زائیده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: زمین او را بر می دارد و آسمان سایه می اندازد و خدا روزیش می دهد و برای تو هم گلی است که می بوئی^{۱۲۱} (چرا ناراحتی) الحدیث -.

فرزند خوب و صالح از مهمترین باقیات صالحات والدین می باشد.

رسول خدا (ص) فرمود: روزی حضرت عیسی (ع) از قبری عبور کرد و مشاهده نمود که صاحب آنرا عذاب می کنند. سال بعد وقتی از آنجا عبور می کرد، متوجه شد که از عذاب خبری نیست! سؤال کرد: خدایا! سال گذشته این شخص را عذاب می کردند ولی امسال از عذاب اثری نیست! خدا به او وحی کرد: ای روح الله! این مرد، فرزند صالحی دارد که امسال راهی را برای مردم ساخته است و یتیمی را پناه داده است! لذا این مرده را بخاطر فرزندش آمرزیدم.^{۱۲۲}

¹²⁰ محدث نوری، میرزا حسین، المستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۶۷.

وسائل ج 15 ص 101¹²¹

همان¹²²

«رسول خدا(ص): در هفت سالگی فرزند را به خواندن نماز تمرین دهید و در ده سالگی در صورت نماز نخواندن، بر آنان سخت گرفته شود و حتی 'آنان را با تنبیه هم شده به نماز وادار کنید.»^{۱۲۳}

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسیکه خدا به او دختری بدهد و او را اذیت نکند و او را کوچک بشمارد و فرزندان پسر را بر او ترجیح ندهد، خدا بخاطر همین دختر، او را به بهشت می برد .^{۱۲۴}

و نیز آن رحمت عالمیان صلی الله علیه و آله تاکید کرده اند: "أَكْثَرُوا مِنْ قُبْلَةٍ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ؛"^{۱۲۵}

فرزندان خود را زیاد ببوسید که با هر بوسه ای که شما والدین نثار فرزندان می کنید، درجه ای در بهشت به دست می آورید که طول مسیر آن پانصد سال راه است."

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چنین روایت شده است :

رحم الله عبداً عان ولده علی بره بالاحسان الیه ، و التالف له ، و تعلیمه ، و تاءدیه^{۱۲۶}

خداوند رحمت کند بنده ای را که به فرزندش کمک کند تا او نیکوکار شود، به وسیله نیکی کردن به او، الفت داشتن و گرم گرفتن با وی و با آموزش و تربیت او.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: رختخواب پسر و پسر، دختر و دختر، دختر و پسر را وقتی به

میزان الحکمة^{۱۲۳}

همان^{۱۲۴}

وسایل، ج 21، ص 485^{۱۲۵}

مستدرک وسائل الشیعه، ج 2، ص 626^{۱۲۶}

سن ده سالگی می رسند باید جدا کرد.^{۱۲۷} (زیرا در این سن قوای شهوانی کم می تواند خطرناک باشد بنابراین در سخن و اعمال و لباس پوشیدن و غیره باید رعایت عفاف را کرد).
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: پدر نباید با دخترش زیر یک لحاف بخوابد، مادر هم نباید چنین کند.^{۱۲۸}

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاهش به طفلی افتاد و فرمود: وای به حال بچه های آخرالزمان از طرف پدرهای ایشان! پرسیدند: یا رسول الله از پدرهای مشرک؟ فرمود: نه از پدرهای مؤمن که واجبات را به فرزندان خود تعلیم نمی دهند، و هر گاه دیگری بخواهد به ایشان تعلیم دهد، مانع می شوند، و خشنود هستند که فرزندانشان از مال و منال دنیا چیزی بدست آورند (ولی به دین اولادشان اهمیت نمی دهند، فقط به فکر رفاه هستند) من از این پدرها بیزارم، آنها هم از من بیزارند.^{۱۲۹}

در تاریخ زندگانی و احوالات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که: بسیار می شد که نوزادی را نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می آوردند تا او نامگذاری کند و یا برایش دعا بفرماید، حضرت برای احترام به خانواده طفل، نوزاد را در دامن خود می نهاد، بسا می شد که بچه در دامن حضرت ادرار می کرد و لباس حضرت را آلوده می نمود، برخی از کسانی آنجا فریاد برمی آوردند، (اعتراض می کردند)

حضرت فرمود: ادرار بچه را قطع نکنید (او را نترسانید) و می گذاشت بچه ادرارش را تمام کند،

وسائل ج 14 ص 171¹²⁷

بحار ج 101 ص 49¹²⁸

لئالی الاخبار.¹²⁹

سپس با روی باز دعا می کرد یا نامگذاری می نمود و نمی گذارد خانواده طفل ناراحت شوند، وقتی آنها می رفتند، لباس خویش را می شست.^{۱۳۰}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردی که دو پسر داشت و یکی را بوسید و دیگری را نبوسید نگاه کرده فرمود: چرا میان آندو به تساوی رفتار نکردی^{۱۳۱}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ((يلزم الوالدین من العقوق لولد هما ما يلزم الولد لهما من عقوقهما اذا كان الولد صالحا.))

پدر و مادر هم عاق فرزندان می شوند اگر فرزند صالح باشد همچنانکه فرزند عاق پدر و مادر می شود.^{۱۳۲}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: رحمت خدا بر پدری که فرزندش را در نیکی به پدر یاری دهد، به اینکه از خطایش در گذرد و برای او میان خودش و خدا دعا کند.^{۱۳۳} و فرمود: فرزندان خود را زیاد بوسید.^{۱۳۴}

((خیر اولادکم البنات))

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین فرزندان شما دخترانند.^{۱۳۵}

بخار ج 16 ص 240.¹³⁰

وسائل ج 15 ص 204.¹³¹

وسائل ج 15 ص 199.¹³²

بخار ج 101 ص 98.¹³³

بخار ج 101 ص 98.¹³⁴

بخار ج 101 ص 105 و 91 و 95 و 97.¹³⁵

رهبر عالیقدر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله در یک جمله زیبا مقام و منزلت حقیقی مادر را چنین بیان می کند: «الجنة تحت اقدام الامهات»^{۱۳۶}؛ بهشت زیر پای مادران است. و در جمله ای دیگر فرمود: «تحت اقدام الامهات روضة من رياض الجنة؛ جای قدمهای مادران باغی از باغهای بهشت است.»

هنگامی که از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در مورد قدردانی از مادر سؤال شد، آن حضرت فرمود: «هیئات! هیئات! که بتوانی حق مادر را ادا کنی. هر آینه اگر به اندازه ریگهای بیابان عالج [صحرائی در عربستان] و دانه های باران به مادر خدمت کنی و از وی قدردانی کرده و بنده وار در پیش او بایستی، این همه خدمات تو به اندازه زحمات وی در هنگامی که در رحم او بودی و سنگینی تو را تحمل می کرد نخواهد بود.»^{۱۳۷}

ابوذر می گوید: از رسول گرامی اسلام شنیدم که فرمود: «النظر الى علی بن ابيطالب عبادة والنظر الى الوالدین برفاءة ورحمة عبادة والنظر في الصحيفة - یعنی صحيفة القرآن - عبادة والنظر الى الكعبة عبادة»^{۱۳۸}؛ نگاه به علی بن ابیطالب عبادت است. نگاه مهرآمیز به پدر و مادر عبادت است. نگاه به صحیفه - یعنی صحیفه قرآن - عبادت است. نگاه به کعبه عبادت است.»

مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۱^{۱۳۶}

مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۰۳^{۱۳۷}

همان^{۱۳۸}

عن النبی (ص) قال : بروا آباءکم ببرکم أبناؤکم، وعفوا عن نساء غیرکم تعف
نساؤکم.^{۱۳۹}

رسول خدا ص فرمود: به پدران خود خوبی کنید تا فرزندان شما به شما خوبی نمایند. و نسبت به زنان
دیگران عفت بورزید تا نسبت به زنان شما عفت بورزند.

عن النبی (ص) قال:
من أسخط والديه فقد أسخط الله، ومن أغضبهما فقد أغضب الله، وإن أمراك أن تخرج
من أهلك ومالك فأخرج ولا تحزنهما.^{۱۴۰}

رسول خدا ص فرمود: هر که والدین خود را ناراحت کند خدا را ناراحت کرده و هر که آنها را غضبناک
کند خدا را غضبناک کرده. و اگر آنها به تو امر کردند که از اموالت و خانواده ات بگذری باید
بگذری و آنها را ناراحت نکنی.

پیامبر (ص): به والدین خود احترام بگذارید تا فرزندان شما هم بشما احترام بگذارند»

«وقتی خواهر رضاعی پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدن حضرت آمد، پیامبر برای او احترام فوق
العاده ای گذاشتند ولی وقتی برادر رضاعی پیامبر آمد حضرت مانند خواهرش به او احترام نکردند .
اصحاب علت را پرسیدند . حضرت فرمود علت بیشتر احترام کردن من به خواهر رضاعیم این است
که او به پدر و مادرش زیادتر نیکی می کند.»^{۱۴۱}

مستدرک الوسائل ، ج 2، ص 127، الغرر والحکم ، ص 627¹³⁹

مستدرک الوسائل ، ج 2 ، ص 230¹⁴⁰

¹⁴¹ الکافی 161/2

ان رسول الله (ص) حضر شاباً عند وفاته.

فقال له: قل: لا إله إلا الله فقال: اعتقل لسانه مراراً، فقال لامرأة عند رأسه: هل لهذا أم؟.. قالت: نعم انا أمه.
فقال: أساخطه انت عليه؟.. قالت: نعم، ما كلمته منذ ست حجج.
قال لها: إرض عنه. قالت: رضى الله عنه يا رسول الله برضاك عنه.
فقال له رسول الله (ص): قل: لا إله إلا الله، فقالها.. فقال له النبي: ما ترى؟..

قال: أرى رجلاً أسود اللون قبيح المنظر، وسخ الثياب، نتن الرائحة، قد ولينى الساعة وأخذ بكظمى، فقال له النبي (ص):

قل: يا من يقبل اليسير ويعفو عن الكثير، أقبل منى اليسير واعف عن الكثير، انك انت الغفور الرحيم!.. فقالها الشاب فقال له: انظر ما ترى؟.. قال: أرى رجلاً أبيض اللون، حسن الوجه، طيب الريح، حسن الثياب، قد ولينى وأرى الأسود قد تولى عنى.. فقال له: أعد فأعاد فقال له: ما ترى؟.. قال: لست أرى الأسود وأرى الأبيض قد ولينى، ثم طفى (مات) على تلك الحال^{١٤٢}

رسول خدا صلى الله عليه و آله بر بالين جوانی که در حال احتضار بود حاضر گردید. آن حضرت کلمه شهادت را به او تلقین فرمود لکن جوان نتوانست بگوید، پرسید: آیا مادر دارد؟ زنی که نزد او بود عرض کرد:

بلى من مادر او هستم. فرمود: آیا بر او غضبناکی؟ گفت: آری شش سال است با او حرف نزده ام. پس آن حضرت خواهش فرمود از او راضی شود. مادر بخاطر آن حضرت از جوان در گذشت. زبان آن جوان به کلمه توحید باز شد. حضرت به او فرمود: چه می بینی؟ گفت مردی سیاه و زشت روی

بدبوی، مرا رها نمی کند. حضرت جمله ای یادش دادند و او خواند و عرض کرد: می بینم مردی سفید رنگ خوشروی، خوش بوی و خوش منظر، رو به من آورد و هیولای مهیب اولی از من دور شد. فرمود: همان جمله را تکرار کن. پس از آن گفت

آن هیکل موخّشه به کلّی محو گردید. پس آن حضرت شاد شد و فرمود: خدا او را آمرزید. آنگاه [1] جوان از دنیا رفت

هر بار نگاه کردن با تبسم به والدین ثواب حج و عمره دارد.^{۱۴۳}

«وقتی خواهر رضاعی پیامبر به دیدن حضرت آمد، پیامبر برای او احترام فوق العاده ای گذاشتند ولی وقتی برادر رضاعی پیامبر آمد حضرت مانند خواهرش به او احترام نکردند. اصحاب علت را پرسیدند. حضرت فرمود علت بیشتر احترام کردن من به خواهر رضاعیم این است که او به پدر و مادرش زیادتر نیکی می کند.»^{۱۴۴}

امام صادق علیه السلام فرمود: مردی به حضور رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده و عرضه داشت: ای رسول خدا! به کدامیک از بستگانم نیکی کنم؟ فرمود: به مادرت. مرد پرسید: بعد از آن؟ فرمود: به مادرت. برای بار سوم پرسید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مادرت. در نوبت چهارم حضرت فرمود: به پدرت نیکی کن!^{۱۴۵}

آورد.^{۱۴۶}

از امام سجاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: مردی به حضور حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله شرفیاب شده و اظهار داشت: ای رسول خدا! من مردی گنه کار و آلوده به معصیت هستم و

معارف قرآن و اهل بیت ع^{۱۴۳}

خانواده نمونه^{۱۴۴}

الکافی، ج ۲، ص ۱۵۹^{۱۴۵}

اصول کافی، باب البر بالوالدین، حدیث ۱۱^{۱۴۶}

از انجام هیچ گناهی فروگذاری نکرده ام، آیا امید آمرزش برایم هست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: آیا پدر و مادرت زنده هستند؟ مرد گفت: فقط پدرم زنده است . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برو با او خوشرفتاری کن . آن مرد رفت و پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از رفتن او زیر لب زمزمه می کرد که: ای کاش مادرش زنده بود!^{۱۴۷}

روزی شخصی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت: ای رسول خدا! مادرم پیر شده و پیش من زندگی می کند، او را در شت خود حمل کرده، برای رفع حوائجش به این طرف و آن طرف می برم، و از درآمد خویش نیازهای وی را تامین می نمایم، با دست خود او را از آزار و اذیتها محافظت می کنم، با کمال ادب و تعظیم و احترام با او رفتار می نمایم . آیا زحمات وی را تا حدودی جبران کرده ام؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نه، زیرا شکم او جایگاه تو، پستانهایش منبع تغذیه تو، قدمهایش وسیله حرکت تو، دستهایش محافظ تو، و آغوش او گهواره ات بوده است . او این همه خدمات را با رضایت خاطر برای تو انجام می داد و آرزو می کرد که تو زنده بمانی؛ ولی تو خدماتی را به وی ارائه می دهی، در حالی که انتظار مرگ او را داری^{۱۴۸} .

احسان به پدر و مادر

از امام سجاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: مردی به حضور حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله شرفیاب شده و اظهار داشت: ای رسول خدا! من مردی گنه کار و آلوده به معصیت هستم و از انجام هیچ گناهی فروگذاری نکرده ام، آیا امید آمرزش برایم هست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: آیا پدر و مادرت زنده هستند؟ مرد گفت: فقط پدرم زنده است

¹⁴⁷ مستدرک الوسائل، ج 15، ص 180

¹⁴⁸ مستدرک الوسائل، ج 15، ص 180

. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برو با او خوشرفتاری کن . آن مرد رفت و پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از رفتن او زیر لب زمزمه می کرد که: ای کاش مادرش زنده بود!^{۱۴۹}

روزی شخصی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت: ای رسول خدا! مادرم پیر شده و پیش من زندگی می کند، او را در شت خود حمل کرده، برای رفع حوائجش به این طرف و آن طرف می برم، و از درآمد خویش نیازهای وی را تامین می نمایم، با دست خود او را از آزار و اذیتها محافظت می کنم، با کمال ادب و تعظیم و احترام با او رفتار می نمایم . آیا زحمات وی را تا حدودی جبران کرده ام؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نه، زیرا شکم او جایگاه تو، پستانهایش منبع تغذیه تو، قدمهایش وسیله حرکت تو، دستهایش محافظ تو، و آغوش او گهواره ات بوده است . او این همه خدمات را با رضایت خاطر برای تو انجام می داد و آرزو می کرد که تو زنده بمانی؛ ولی تو خدماتی را به وی ارائه می دهی، در حالی که انتظار مرگ او را داری^{۱۵۰}

جوان زبانش لال شد!

«روزی پیامبر بر بالین جوانی که در حال احتضار بود، حاضر شد. وقتی شهادتین را به او تلقین نمود، جوان نتوانست زبانش را به شهادتین باز کند و گویا لال شده بود. حضرت، مادرش را خواستند. واز مادرش پرسیدند که آیا از پسر ت راضی هستی؟ زن گفت: یا رسول الله! چهار سال است که باو حرف نزده ام!

پیامبر از او خواستند که از فرزندش راضی شود. او هم راضی شد و جوان زبانش باز گردید و شهادتین را جاری کرد و از دنیا رفت»^{۱۵۱}

مستدرک الوسائل، ج 15، ص 180¹⁴⁹

مستدرک الوسائل، ج 15، ص 180¹⁵⁰

همان¹⁵¹

- بوسه ای بر درب بهشت و صورت حور العین

روایت است که مردی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: من نذر کرده ام که درب بهشت و صورت حور العین (زنان بهشتی) را ببوسم!

حضرت فرمود: برو پای مادر (به منزله صورت حور العین) و پیشانی پدرت را (بمنزله در بهشت) ببوس.

عرض کرد: پدر و مادرم از دنیا رفته اند، فرمود: قبر آنها را ببوس، عرض کرد: مکان قبر آنها را نمی دانم (شاید در حادثه ای از بین رفته اند که در شهر دفن نشده اند و یا در اثر مرور زمان مکان آن مخفی شده است)،

حضرت فرمود: دو خط روی زمین به صورت دو قبر بکش به نیت قبر پدر و مادر، و سپس آنجا را ببوس^{۱۵۲}

عاق والدین

«پیامبر (ص): بوی بهشت از مسیر پانصدسال راه بمشام می رسد ولی بمشام عاق والدین نمی رسد.»^{۱۵۳}
رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز فرموده است:
النظر الى الوالدین براءة و رحمة عبادة^{۱۵۴}

نگاه فرزند به چهره پدر و مادر از روی محبت و شفقت نسبت به آنان، عبادت است.

بوسه ای بر درب بهشت و صورت حور العین

روایت است که مردی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: من نذر کرده ام که درب بهشت و صورت حور العین (زنان بهشتی) را ببوسم!

قره العین ص 38.¹⁵²

خانواده نمونه¹⁵³

بحار الانوار، ج 71، ص 73¹⁵⁴

حضرت فرمود: برو پای مادر (به منزله صورت حور العین) و پیشانی پدرت را (بمنزله در بهشت) ببوس.

عرض کرد: پدر و مادرم از دنیا رفته اند، فرمود: قبر آنها را ببوس، عرض کرد: مکان قبر آنها را نمی دانم (شاید در حادثه ای از بین رفته اند که در شهر دفن نشده اند و یا در اثر مرور زمان مکان آن مخفی شده است)،

حضرت فرمود: دو خط روی زمین به صورت دو قبر بکش به نیت قبر پدر و مادر، و سپس آنجا را ببوس^{۱۵۵}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من زار قبر والدیه او احدهما کل جمعة فقرا عندهما یس غفر الله له بعدد کل حرف منها»^{۱۵۶}؛ هر کس قبر پدر و مادرش یا یکی از آنها را در هر جمعه زیارت کند و در کنار مزار آنان سوره یس بخواند، در مقابل هر حرفی که از این سوره می خواند، خداوند آمرزشی نصیب او می فرماید.

پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «سید الابرار یوم القیامة رجل بر والدیه بعد موتهم»^{۱۵۷}؛ سرآمد و سرور ابرار در روز قیامت کسی است که بعد از مرگ پدر و مادرش برای ایشان احسان و نیکی کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: کسیکه پیر مسلمانی را احترام کند از فزع اکبر قیامت در امان خواهد بود^{۱۵۸}.

قرّة العین ص 38.¹⁵⁵

بحار الانوار، ج 89، ص 293¹⁵⁶

بحار الانوار، ج 71، ص 84¹⁵⁷
همان¹⁵⁸

